



ابعاد انتظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشتغال زنان در صنوف

و اماکن عمومی شهر ایلام

فریبا شایگان^۱، حاجیه رجبی فرجاد^۲، علی اورنگ^۳

۱. استاد جامعه شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، عضو پیوسته انجمن پژوهش‌های انتظامی ایران نویسنده مسئول،

shayegan_fa@yahoo.com

۲. استادیار مدیریت، دانشگاه علوم انتظامی امین، عضو پیوسته انجمن پژوهش‌های انتظامی ایران، hajieh_rajabi@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت علوم اطلاعات و امنیت، دانشگاه علوم انتظامی امین، orangsaba@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خارج از منزل تحولات اساسی در مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بشری ایجاد کرده است. در این تحقیق که به بررسی ابعاد مختلف اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی شهر ایلام پرداخت، چهار سؤال در خصوص ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی مطرح شد.

روش: برای پاسخ به سؤالات از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه نمونه این پژوهش ۳۶۰ نفر از زنان شاغل در صنوف و اماکن عمومی شهر ایلام بود که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. روایی پرسشنامه با تأیید صاحب‌نظران و مطلعین و پایایی با آلفای کرونباخ (۰/۸۲) به دست آمد.

یافته‌ها: این تحقیق نشان داد که در بعد فرهنگی، هماهنگی بین تربیت فرزند و اداره امور خانواده و اشتغال آن‌ها در بیرون از منزل بیش‌ترین دغدغه زنان شاغل در اصناف بود، از بعد اقتصادی کمتر بودن میزان پرداختی حقوق به زنان در مقایسه با مردان در همان شغل و در بعد انتظامی کمبود روشنایی معابر عمومی در ساعات شب و در جای دنج و محل خلوت بودن مشاغل زنانه بیش‌ترین دغدغه زنان شاغل بود. **نتیجه‌گیری:** ابعاد انتظامی مورد مطالعه در این تحقیق، بیش‌ترین نقش را در اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی داشتند و بعد از آن، ابعاد فرهنگی و اقتصادی و سپس ابعاد اجتماعی در این امر تأثیر داشتند. **کلید واژه‌ها:** اشتغال زنان، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، انتظامی، پلیس، شهر ایلام.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** شایگان، فریبا؛ رجبی فرجاد، حاجیه؛ اورنگ، علی (بهار و تابستان ۱۳۹۷). ابعاد انتظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی شهر ایلام. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶ (۱)، ۲۵-۴۶.

مقدمه

از هنگامی که بشر پای بر هستی نهاده، زنان در همه عرصه‌های زندگی همچون اقتصاد، سیاست، دین، فرهنگ و هنر، پایه‌پای مردان نقشی حیاتی و خلاق را ایفا کرده‌اند (رستمی، ۱۳۸۳، ص ۳۹). ولی از اوایل قرن حاضر، جهان با پدیده اجتماعی - اقتصادی نوینی تحت عنوان مشارکت اقتصادی زنان در مشاغل خارج از خانه مواجه شده است. این پدیده جدید، دستاورد تغییر و تحولات اساسی در مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بشری است و همان‌گونه که از بستر زایش خود تأثیر می‌پذیرد، رشد می‌کند و متحول می‌شود، بر فرآیندهای زیربنایی و نیرومند خود هم اثر گذاشته و سهم خود را در زنجیره به هم پیوسته و در حال شدن حیات اجتماعی بر جای می‌گذارد. زنان در بازار کار ایران، صدسال بعد از جوامع صنعتی جهان حضور یافتند. تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بر موقعیت و پایگاه زنان، در جامعه، تعیین‌کننده سطح، نوع و میزان اشتغال آن‌ها است (بنی فاطمه و مهید، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

نظرات مختلف و پیامدهای متفاوتی در مورد اشتغال خارج از منزل زنان وجود دارد. رابرت لین معتقد است که مشارکت زنان در امور سیاسی یا هر نوع وابستگی خارج از خانه، به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی است. از دیدگاه پارسونز نیز زنان نباید در زندگی شغلی از الگوی مردانه پیروی کنند و درصدد رقابت مستقیم با مردان برآیند؛ زیرا تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری، موجب از هم گسیختگی ساخت خانواده خواهد شد (ملک‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲). اسلام هم اگرچه در نظام آفرینش، به زن و مرد از دیدگاهی واحد می‌نگرد و هر دو را به سازندگی و حرکت دادن تمدن اسلامی در عرصه حیات انسان‌ها، فرا می‌خواند ولی نقش‌ها و مسئولیت‌ها را بین آن دو تقسیم می‌کند (موحدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱) و نقش مادری به‌عنوان مهم‌ترین نقش تربیتی را بیشتر به عهده زنان نهاده است، لذا باید اشتغال زنان در بیرون از منزل مانع انجام این نقش آن‌ها نشود. از طرفی، زنان به دلیل ویژگی‌های روحی، روانی و حساس خود و ویژگی‌های جسمی و نیز فرهنگ ایرانی اسلامی کشور نمی‌توانند هر شغلی را عهده‌دار شوند. همچنین، براساس ساختار فرهنگی جامعه امروز ایران، به ویژه قوانین مربوط به کار و خانواده، همچنین سنت و عرف اجتماعی، مردان آور خانه تلقی می‌شود. از این رو، مشارکت زنان در بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی زنان ضروری به شمار نمی‌آید. در حالی که با توجه به دگرگونی‌های ارزشی و ساختاری دهه‌های اخیر از جمله افزایش سطح تحصیلات دختران و نیز افزایش سهم پذیرفته‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها، افزایش میانگین سن ازدواج، دگرگونی ساختار خانواده از نوع گسترده به هسته‌ای، کاهش بعد خانوار و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع میزان مشارکت زنان در سال‌های آتی قطعی است (رفعت جاه و خیرخواه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

در استان ایلام موضوع اشتغال زنان در حوزه صنوف با توجه به فرهنگ خاص غالب بر منطقه و جو قومی قبیله‌ای آن، نسبت به سایر مناطق کشور کم‌رنگ‌تر بوده و زنان تا دهه گذشته تنها به شکل سنتی در اموری

از جمله خانه‌داری، تهیه مایحتاج زندگی، امور کشاورزی و تولیدات و منسوجات دستی مشغول به فعالیت بوده که به‌رغم ارزش اقتصادی و جلوگیری از خروج سرمایه، شاغل محسوب نمی‌شدند. این در حالی است که اخیراً این موضوع از شکل سنتی خود خارج شده و روند رو به رشدی به خود گرفته است. چنانچه در سال ۱۳۸۵، از کل جمعیت فعال^۱ زن در استان ایلام، ۴۶/۵ درصد شاغل بوده‌اند، در حالی که در سرشماری سال ۱۳۹۰، نرخ اشتغال زنان استان ایلام به ۶۴/۴ درصد رسیده است. همچنین، نرخ اشتغال زنان شهری در سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بالاتر از نرخ اشتغال زنان روستایی بوده است. ولی در سال ۱۳۹۰، نرخ اشتغال زنان روستایی استان بالاتر از نرخ اشتغال زنان شهری بوده است (نگاهی به وضعیت زنان در استان ایلام، ۱۳۹۳، ص ۷۰).

نظر به عدم چاره‌اندیشی مناسب و نبود برنامه منسجمی از سوی دولت در راستای اشتغال زنان در حوزه صنوف و اماکن عمومی در سطح استان، نیازسنجی مناسبی صورت نگرفته و هر کس به فراخور موقعیت، نیاز مالی و بخشی‌نگری، اقدام به دایر کردن واحدهای صنفی متفرقه یا جذب در این صنوف کرده است. به‌طوری که بعضاً مردان در مشاغل زنانه از جمله فروش لباس زنانه و لوازم آرایشی مشغول به کار شده و زنان نیز در امور مردانه از جمله کابینت فروشی و صنعت ساختمان جذب شده‌اند که با روحیات آن‌ها همخوانی نداشته و این موضوع را به یک مسئله اجتماعی تبدیل کرده و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه انتظامی خاصی را برای زنان و درکل برای جامعه ایجاد کرده است. بررسی ابعاد مختلف این حضور به‌ویژه در کشور ایران که حاکمیت اسلام در آن سبب شده است تا زنان ایرانی نه‌فقط ملزم به رعایت ضوابط عرفی برای حضور در محیط‌های مردانه باشند، بلکه حضور آن‌ها در محیط‌های مردانه باید با رعایت حدود شرعی همراه باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. زنان از یک‌سو با وظایف مادری و پرورش و تربیت فرزندان و انجام امور منزل که به‌طور سنتی به عهده آن‌ها است درگیرند و از سوی دیگر، با توجه به تنگنای مالی و به‌منظور کمک به معیشت خانواده، ناچار به اشتغال پاره‌وقت یا تمام‌وقت بوده یا به انگیزه خود شکوفایی و بالفعل کردن توانایی‌ها و استعدادهای درونی و عملی کردن یافته‌های تحصیلی و تجربی، وارد عرصه بازار کار می‌شوند که با توجه به متفاوت بودن مطالبات و شرایط این دو محیط؛ یعنی خانه و بازار کار، دچار تضاد نقش‌ها شده و برای ماندن در این مسیر و ادامه راه باید تلاش دوچندانی را بر خود متحمل کرده تا به صورت نسبی انتظارات این دو محیط تقریباً متفاوت را برآورده سازند. از آنجایی که استان ایلام هنوز با بافت قومی قبیله‌ای عجین بوده و با توجه به تغییر شرایط و گسترش مدرنیته و دوران پسامدرن و همسو با سایر نقاط کشور، در حال گذار از این مرحله و ورود به فضای جدید به‌خصوص بازار کار است و این مرحله نیز اشتغال زنان را اجتناب‌ناپذیر کرده است، لذا بحث اشتغال زنان در این استان علاوه بر مشکلات جهان‌شمول، با شرایط خاص محلی دیگر نیز مواجه بوده که

۱. جمعیت فعال: تمامی اعضای ۱۰ ساله و بیشتر خانوارها که در هفت روز گذشته (قبل از مراجعه مأمور آمارگیری) شاغل یا بیکار (جویای



انجام تحقیق و پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد. تحقیق حاضر در پی تبیین پیامدهای مثبت و منفی اشتغال زنان در صنوف، ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادهای مناسب جهت کاهش مشکلات در این زمینه و استفاده از نتایج تحقیق برای پیشگیری از ناهنجاری‌های ناشی از اشتغال زنان است و با هدف شناخت ابعاد مختلف اشتغال زنان در صنوف اماکن عمومی شهر ایلام، سعی دارد به این سؤالات پاسخ دهد که:

- ۱- ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف اماکن عمومی کدامند؟
- ۲- ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف اماکن عمومی کدامند؟
- ۳- ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف اماکن عمومی کدامند؟
- ۴- ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف اماکن عمومی کدامند؟

پیشینه تحقیق

وایونای و کرایوس^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی تحت عنوان «نقش دولت و اقتدار سنت: زنان اسرائیلی، فلسطینی و یهودیان خاورمیانه در نیروی کار» به این نتیجه رسیدند که سرعت تغییر در نرخ اشتغال در بین دو گروه فلسطینی (مسلمان و مسیحی) نسبت به زنان یهودی بسیار کندتر بوده است. همچنین دولت در تعیین سرنوشت گروه‌های مختلف زنان نقش دارد. دولت، زنان یهودی را تحت فشار قرار داده است تا در موسسه‌های مدرن ثبت‌نام کنند و آموزش بهتر ببینند علاوه بر آن برای زنان یهودی فرصت‌های کاری بیشتری نسبت به زنان فلسطینی فراهم کرده‌اند. در نتیجه نقش سیاست‌های ایالتی در تعیین جایگاه اجتماعی زنان اهمیت دارد. جانگ، چویی و اوآکساکا^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تجربی تحت عنوان «اختلاف دستمزد جنسیتی در انتخاب کارهای پرخطر در مقابل کار امن» به این نتیجه رسیدند که علاوه بر تبعیض، تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب کار (انتخاب بین یک کار خطرناک و یک کار امن) بر اختلاف دستمزد جنسیتی اثر دارد و علاوه بر آن زنان تمایل بیشتری برای انتخاب کار امن و دستمزد پایین داشتند.

پیرلمن^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در تأثیر حرکت شغلی بر درآمد با نقش تفکیک شغلی» به این نتیجه رسید که مردان بدون تحصیلات دانشگاهی، دستمزدهای بیشتری از حرکت داوطلبانه درون شغلی نسبت به زنان تحصیل کرده، دریافت می‌کنند. علاوه بر آن برای افراد بدون تحصیلات دانشگاهی، حرکت در بزرگ‌ترین مشاغل، در اختیار مردان است.

هان، شین، یون، کو، کیم و هان^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «کار عاطفی و حالت افسردگی در

1. Yonay & Kraus

2. Jung, Choe & Oaxaca

3. Pearlman

4. Han, Shin, Yoon, Ko, Kim & Han

کارکنان خدمات و فروش: تعاملات با جنسیت و استقلال شغلی» را از نظرسنجی ملی بهداشت و تغذیه کره^۱ از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ را مورد بررسی قرار دادند که به این نتیجه رسیدند که کار عاطفی و استقلال شغلی نشان‌دهنده تأثیرات تعاملی در حالت افسردگی بوده است به طوری که در کارگران زن، کارهای عاطفی بالا با افزایش خطر ابتلا به حالت افسردگی مرتبط است و در کارگران مرد، استقلال شغلی اثرات تعاملی را بر حالت افسردگی نشان می‌دهد که در آن کار عاطفی بالا تنها با وجود استقلال شغلی کارکنان مرد به حالت افسردگی مرتبط است.

مک لئون^۲ (۱۹۸۲) در تحقیقی تحت عنوان «نقش اشتغال مادر بر فرزند»، به این نتایج می‌رسد که در میان بچه‌هایی که روابط قوی با مادرشان دارند و احساس می‌کنند که مادرشان به آن‌ها علاقه زیادی دارد، یک گرایش منفی نسبت به شغل مادر پیدا می‌کنند؛ چرا که بچه احتمال می‌دهد که مادرش را هنگامی که در خارج از خانه مشغول به کار است، از دست بدهد. همچنین بچه‌ای که احساس می‌کند که پاسخ‌های مادرش به نیازهای عاطفی‌اش با شغل مادرش برخورد می‌کند، روابط آن‌ها را متأثر می‌کند و شغل مادر را به‌عنوان یک رقیب در مورد توجه او نسبت به خود می‌داند، نظر منفی نسبت به شغل او پیدا می‌کند که این امر می‌تواند زمینه بروز اختلافات خانوادگی را فراهم آورد.

بوت، جانسون، وایت و ادواردز^۳ (۱۹۸۴) در تحقیقی تحت عنوان «اشتغال خارج از خانه زنان و تزلزل زندگی زناشویی در امریکا»، به این نتیجه رسیدند که شغل زن در بسیاری از موارد با نقش‌هایی که او در خانواده بر عهده دارد، سازش ندارد و به همین دلیل، مشاجرات لفظی میان زن و شوهر شروع می‌شود و در نهایت، به عدم ثبات زندگی زناشویی منجر می‌شود؛ به‌خصوص اگر شغل زن بیشتر از ۴۰ ساعت وقت او را در هفته بگیرد. کازیلر مک^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان «تغییر در الگوهای تجارت جهانی و اشتغال زنان در ساخت؛ تجزیه و تحلیل دوران آسیایی و صنعت زدایی»، نشان می‌دهد که خالص تجارت بر اشتغال کل در ۳۰ کشور در طول دوره (تجزیه و تحلیل) با وجود دستاوردهای اشتغال، در ۱۷ کشور تأثیر منفی دارد. همچنین، نتایج تجزیه نشان می‌دهد که در سهم اشتغال زنان کاهش ایجاد شده است. تغییرات در اشتغال زنان هنوز هم به شدت، وابسته به جنبش در بخش‌های «سنتی» تولید از جمله مواد غذایی، منسوجات و لباس است.

یوسفی (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی تأثیر عوامل مرتبط با اشتغال زنان بر بروز اختلافات خانوادگی؛ مطالعه واحدهای تولیدی شهر شیراز» که علاوه بر دیدگاه‌های فنی، اجتماعی، فیزیولوژیکی، روان‌شناسی و فمینیسم، عمدتاً از دیدگاه کارکردگرایی و تئوری نیازها استفاده کرده است، به این

1. Korea National Health and Nutrition Examination Surveys (KNHANES)

2. Macleon

3. Booth, Johnson, white & Edwards

4. Kızılırmak



نتیجه رسید که در تجزیه و تحلیل دومتغیره، متغیرهای سختی کار، نوع شغل، درآمد زن و همسر، تعداد فرزندان، تحصیلات زن و همسر، سن زن، ساعات کار در شیفت‌های مختلف رابطه معناداری با متغیرهای وابسته و بروز اختلافات خانوادگی نشان داده است.

مهر افشان (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «تأثیر اشتغال زنان بر جرایم و انحرافات آن‌ها» به اعتقاد گروهی از جرم‌شناسان به این نتیجه رسید که گسترش آزادی زنان و درگیری بیشتر آنان با مسائل مالی، شغلی و اجتماعی می‌تواند باعث افزایش جرایم و انحرافات میان آن‌ها شود. همچنین نتیجه مطالعات نشان داد که عوامل مختلفی در ارتباط با فرد شاغل و شغل وجود دارد که می‌توانند در این زمینه تأثیرگذار باشند، مانند شخصیت فرد، خانواده و اطرافیان او، میزان اعتقادات مذهبی فرد، نوع شغل، میزان رضایت شغلی، زمان و مکان اشتغال و ... این عوامل و تأثیر آن‌ها در موقعیت‌های متفاوت موجب می‌شوند در یک مورد، اشتغال زن موجب کشیده شدن او به سمت انحراف و جرم شود ولی در سوی دیگر سبب پیشرفت و تعالی او گردد.

رضازاده (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «قواعد حاکم بر مسئله اشتغال زنان در نظام حقوقی ایران با توجه به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» در جهت شناخت موانع و تنگناهای موجود در قوانین ایران در خصوص احقاق حقوق شغلی زنان در مقایسه با کنوانسیون مذکور، ابتدا وضعیت کلی اشتغال زنان، دیدگاه اسلام و سایر قوانین داخلی مورد بحث قرار داده بود سپس، اصول حاکم بر اشتغال زنان که به اصول کلی و اصول حمایتی تقسیم می‌شوند در کنوانسیون و قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار داده است و بعد از آن به بررسی اشتغال زنان در مناصب مهم دولتی و سیاسی در کنوانسیون و قوانین موضوعه ایران پرداخته است.

مهدویان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان در خانواده و راهکارهای آن از دیدگاه اسلام» به این نتیجه رسید که اشتغال زنان اگر متناسب با توانمندی‌های جسمی و روان‌شناختی آنان نباشد همچنین اگر در مواقع بحرانی نیاز همسر و فرزند به مادر باشد، چالش‌های اخلاقی زیادی را به دنبال می‌آورد یعنی این که زنان شاغل به جهت قبول کردن دو تعهد مهم (یکی تعهدی که نسبت به همسر و فرزندان دارد و دیگری تعهد کاری) با تضاد و تراحم نقش‌ها روبرو می‌شوند که به دنبال آن، چالش‌های اخلاقی مانند ایجاد روحیه متقابل بین همسران، عدم تمایل به فرزند آوری، جدایی و طلاق و بی‌عدالتی و تکلیف فوق طاق برای زنان ایجاد می‌شود. نتایج دیگر این پژوهش نشان داده است که اشتغال بانوان با رعایت اصول اخلاقی چون استحکام خانواده، اصل مصلحت سنجی، اصل عفت و حیا، قناعت، صبر در برابر مشکلات، رعایت اصل اولویت و رعایت حقوق همسر و فرزندان مورد تأیید اسلام است که مانعی برای بروز چالش در حوزه خانواده است.

محمد پور، شاکری نیا و رضانی (۱۳۹۴) تحقیقی تحت عنوان «رابطه احساس امنیت، دینداری و بهداشت روانی با رضایت شغلی زنان» که بر روی تعداد ۱۹۵ زن شاغل دستگاه‌های دولتی شهر رشت انجام شد به این نتیجه رسید که بین احساس امنیت، دینداری، بهداشت روانی و رضایت شغلی زنان رابطه معناداری وجود دارد. تفاوت بین احساس امنیت، بهداشت روانی و رضایت شغلی زنان برحسب وضعیت تأهل و سابقه کار معنی‌دار بود. اما بین دینداری زنان شاغل مشارکت‌کننده در پژوهش تفاوت معناداری مشاهده نشد.

شاعی مقدم (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات زنان شاغل متأهل از محیط کار و خانواده» به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل تعداد فرزندان و موقعیت شغلی با انتظارات از محیط کار و خانواده در بین زنان شاغل متأهل یافته است. توسلی و رفیعی خوانی (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل؛ مطالعه موردی کارمندان زن سازمان بیمه خدمات درمانی» به این نتیجه رسیدند که گرایش زنان شاغل در سازمان بیمه خدمات درمانی به اشتغال در خارج از منزل کمتر از حد متوسط است.

اسماعیلی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه راهکارها» که بر روی تعداد ۳۸۴ زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان ایلام انجام شد به این نتیجه رسید که بین عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین تبعیض در امکانات و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد. علاوه بر این، مطابق با نتایج این تحقیق، بین پایگاه اجتماعی زنان و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنادار وجود داشته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد بین فرهنگ مردسالاری در ایلام و اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج تحقیق گواه آن است که بین میزان تحصیلات زنان در شهر ایلام و اشتغال آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. اما یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی زنان و وضعیت اشتغال آن‌ها رابطه معنادار وجود ندارد.

فروتن (۱۳۹۰) در تحقیق خود تحت عنوان «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران» که با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان در متن و تصاویر کتاب‌های درسی سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را مورد مطالعه قرار داد، به این نتیجه رسید که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه و مدل «مرد؛ نان‌آور خانوار» (مک دونالد ۲۰۰۰)، به وضوح در این کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. تنوع شغلی بسیار محدود و هم‌جنس بودن افرادی که زنان شاغل با آن‌ها سر و کار دارند نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی محسوب می‌شود. همچنین، تفاوت‌های مهم و قابل‌ملاحظه‌ای در خصوص الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان برحسب مقاطع تحصیلی، پایه تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی در این تحقیق مشاهده شد.



سید میرزایی، عبدالمهی و کمریگی (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سه سازمان حمایتی کمیته امداد امام (ره)، بهزیستی و بنیاد شهید زنان شهر ایلام» نشان دادند که حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر به‌سزایی دارد.

شایگان، کلدی و عسکری طباطبایی (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مشاغل مردانه؛ مطالعه موردی دختران دانشجوی دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی امین و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی» که به بیان رابطه بین تبلیغ رسانه‌های جمعی، تضمین شغلی، ویژگی‌های روحی و روانی زنان، همسان‌پنداری زنان با مردان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن (متغیرهای مستقل تحقیق) و گرایش زنان به شغل پلیسی (متغیر وابسته تحقیق) می‌پردازند، به این نتیجه رسیدند که در بررسی فرضیه‌های رابطه بین تبلیغ رسانه‌های جمعی، ویژگی‌های روحی و روانی زنان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن و گرایش زنان به شغل پلیسی، این رابطه مستقیم و مثبت است؛ یعنی با بالا رفتن تبلیغ رسانه‌های جمعی، ویژگی‌های روحی و روانی زنان، نیاز جامعه اسلامی به حضور پلیس زن، میزان گرایش زنان به شغل پلیسی افزایش می‌یابد.

لطیفی، سعدی و شعبانعلی فمی (۱۳۹۳) در تحقیق «ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف همدان» که با توجه به اهداف تشکیل تعاونی‌های فرش دستباف، با هدف ارزیابی نقش این تعاونی‌ها در توانمندسازی زنان قالیباف انجام شده و در این راستا، تعداد ۲۰۲ نفر از زنان قالیباف عضو تعاونی‌های فرش دستباف و تعداد ۲۰۲ نفر از زنان قالیباف غیر عضو انتخاب و به منظور بررسی نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی آن‌ها و توانمندی دو گروه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان داد که اختلاف معناداری بین دو گروه به لحاظ توانمندی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای در سطح ۱ درصد وجود داشت و میزان توانمندی زنان قالیباف عضو تعاونی در ابعاد چهارگانه بیش از زنان قالیباف غیر عضو بود. نتایج حاصل از مقایسه میانگین شاخص‌های تشکیل دهنده هر یک از ابعاد توانمندی نیز بیانگر وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح ۱ درصد بود و تنها در شاخص میزان شرکت در دوره‌های آموزشی تفاوت معناداری بین دو گروه وجود نداشت.

مبانی نظری

از نقطه نظر اجتماعی، اشتغال به طور اعم عبارت است از مشغول شدن یک فرد به انجام فعالیتی دسته‌جمعی برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی گروهی. از دیدگاه فرهنگی اشتغال عبارت است از سازش فکری، روحی و جسمی یک فرد با فرصت‌های مختلفی که در جامعه به دست می‌آید و از دیدگاه اقتصادی عبارت است از

چگونگی کاربرد درجات مهارت، مقدار نیروی کار در اختیار، کیفیت و کمیت تجهیزات در دسترس، شیوه‌های فنی موجود، میزان رقابت عادات به مصرف و تولید و مطلوبیت درجات شدت کار که در تولید و توزیع درآمد ملی مؤثرند (نصیرزاده، ۱۳۷۹، ص ۸۴). اشتغال زنان می‌تواند از دو بعد بر زندگی زنان تأثیرگذار باشد: یکی در بعد خانوادگی و دیگری در بعد فردی. تاکنون درباره تأثیر اشتغال بر مناسبات درون خانواده پژوهش‌های زیادی انجام گرفته، اما در مورد تأثیر اشتغال زنان بر خود آن‌ها کم‌تر کار شده است (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۶).

به اعتقاد نوکلاسیک‌ها، مزد پرداختی به هر فرد، متناسب با ارزش نهایی کار او است و لذا کارفرمایان تا جایی حاضر به استخدام کارگران هستند که بازده نهایی دریافتی حاصل از کار، بیش از مقداری باشد که پرداخت می‌کنند. از آنجا که عوامل متعددی وجود دارد که سبب می‌شود بهره‌وری و کارایی زنان نسبت به مردان پایین‌تر باشد، در بازار کار همواره یک اختلاف درآمدی بین زن و مرد وجود دارد (گوگردچیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹). براساس این دیدگاه، زنان به سبب بهره‌وری کمتر در مقایسه با مردان، از جایگاه و درآمد نازل‌تری برخوردارند. یکی از مفروضات اقتصاددانان کلاسیک آن است که در شرایط رقابتی به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می‌شود. بهره‌مندی کمتر زنان از آموزش، دوری متناوب آن‌ها از کار به دلیل مسائل مربوط به بارداری و پرورش کودک و کمتر بودن تجربه و مهارت شغلی آن‌ها به دلیل همین دوری متناوب از محیط کار، عواملی است که از نظر متفکران نئوکلاسیک موجب می‌شود تا زنان از سرمایه‌انسانی کمتری بهره‌مند شوند و در نتیجه، بهره‌وری پایین‌تر و جایگاه نازل‌تری در بازار کار داشته باشند (کار، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

از عمده‌ترین نظریه‌های مرتبط با تجزیه شدن بازار کار، نظریه بازار کار دوگانه^۱ است. به اعتقاد طرفداران این نظریه، می‌توان به‌جای این که تفاوت‌های جنسیتی را ناشی از ویژگی‌های ذاتی زنان دانست، حداقل قسمتی از آن را به نوع مشاغل نسبت داد. یکی از انتقادات عمده بر این دیدگاه این است که این نظریه، نحوه تفکیک نیروی کار بر مبنای جنسیت را در داخل بخش‌های اولیه و ثانویه روشن نمی‌کند، همچنین، این نظریه به این سؤال که چرا جنسیت در چنین ابعاد مهم و پایداری، عامل تقسیم‌بندی بازار کار شده است پاسخ نمی‌دهد (گوگردچیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹). این دسته از نظریه‌ها، بازار کار را قشربندی شده یا پاره پاره می‌دانند که به وسیله موانع نهادی صورت گرفته است و در درون هر یک از این قشرها، اصول نئوکلاسیک‌ها پذیرفته می‌شود. مطابق «نظریه بازار دوگانه کار»، دو نوع شغل را می‌توان تشخیص داد: مشاغل اولیه و مشاغل ثانوی (با مزد کم و بدون امنیت و امکان پیشرفت) یا آنچه که بعضی آن را «مشاغل پیشرو» و «مشاغل ایستا» می‌دانند. مشاغل اولیه با مزد زیاد و امکان پیشرفت زیاد برای کارفرما به لحاظ لزوم ثبات شغلی، اهمیت زیادی دارد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

نظریه رفاه، قدیمی‌ترین و در عین حال متداول‌ترین چهارچوب نظری اشتغال زنان در کشورهای در حال



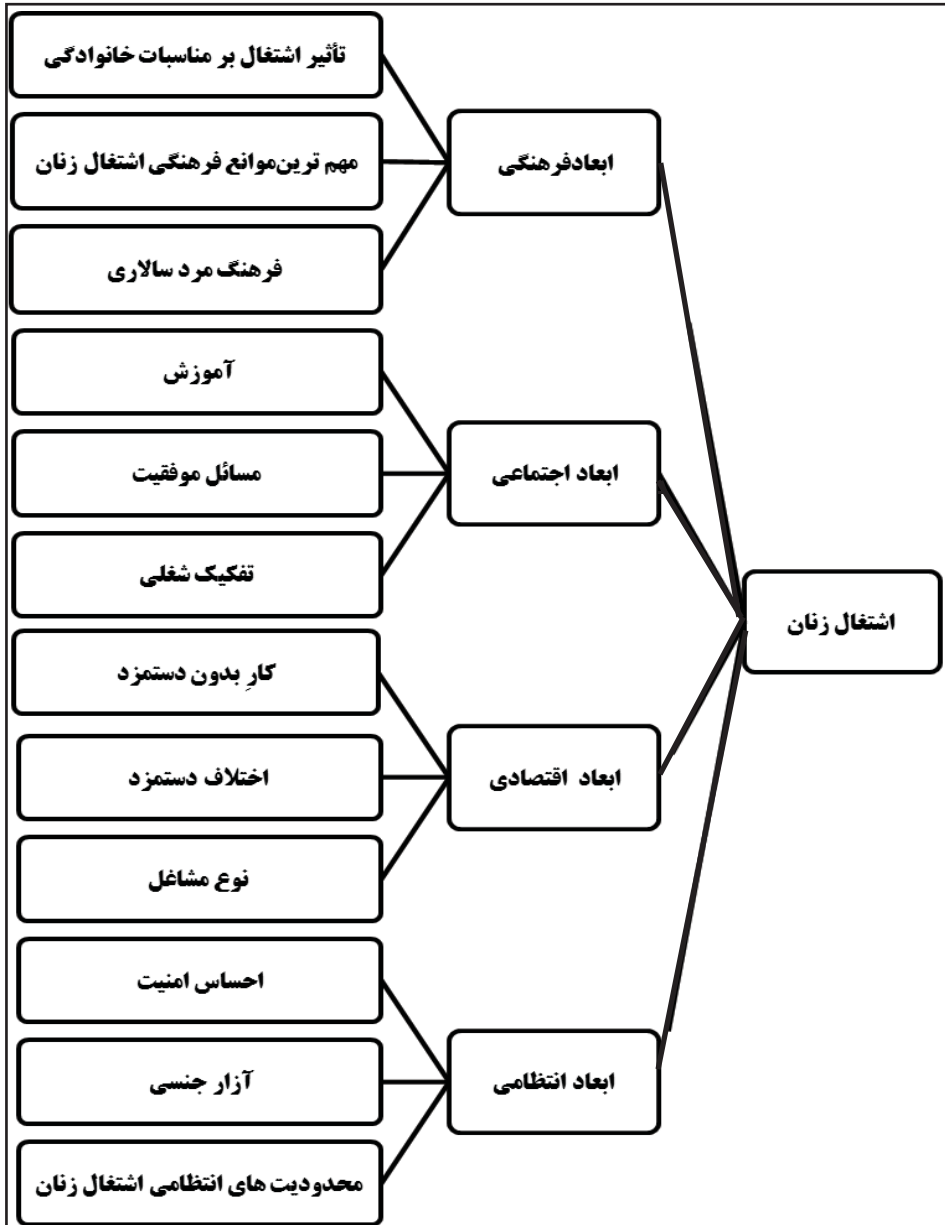
توسعه است و بر مبنای دو پیش فرض «زنان عوامل دریافت‌کننده، بدون شرکت فعالانه در فرآیند توسعه و فقط گیرنده کمک‌ها به حساب می‌آیند» و «نقش مادرانه، مهم‌ترین نقش اجتماعی آن‌هاست» بنا شده است. این نظریه بر خانواده تمرکز داشته و نقش زنان را به عنوان متولد کننده کودک مدنظر دارد (گوگردچیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰).

نظریه تواناسازی عمدتاً بر اساس شرایط کشورهای در حال توسعه و تجربه سازمان‌های مؤثر در مسائل زنان طراحی شده است. محور اصلی این نظریه، تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری را به زنان تحمیل می‌کند. این نظریه بر پیش فرض‌های زیر استوار است: ۱- ارتقای توان زنان برای اتکا به خود، موجب افزایش قدرت آن‌ها می‌شود و ۲- قدرت، نشانه برتری فرد بر فرد نیست؛ بلکه کنترل موانع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند (گوگردچیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹).

صاحب‌نظران تئوری‌های مبتنی بر جنسیت، بر اهمیت اشتغال و استقلال مالی در رشد شخصیت فرد تأکید کرده و معتقدند که وضعیت تابعیت و وابستگی زنان در موقعیت‌های گوناگون مانند بازار کار، خانه و خانواده، با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم اجتماعی کلی است که در آن زنان تابع مردان هستند. در چنین نظامی، شکل‌های حرفه‌ای مردانه در محدود کردن فرصت‌های شغلی زنان که تهدیدی برای مشاغل مردان به حساب می‌آید نقش دارند. دستمزدهای پایین‌تر در این نظام، زنان را به مردان وابسته نگاه می‌دارد و انجام کارهای خانگی به دست آن‌ها را موجه می‌سازد و به این ترتیب، کار خانگی به‌ویژه مراقبت از کودک به زنان اختصاص می‌یابد (نوروزی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).

روش

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت توصیفی، از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق زنان شاغل در صنوف اعم از صنوف دارای پروانه کسب معتبر و فاقد پروانه در سطح شهر ایلام و اماکن عمومی تابع قوانین خاص شهر ایلام شامل تالارها و مراکز اقامتی، دفاتر هواپیمایی تحت نظر سازمان هواپیمایی کشوری، باشگاه‌های زنانه و غیره بوده که این آمار ۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. با محاسبه جامعه موردنظر در فرمول کوکران، تعداد نمونه ۳۵۷ نفر تعیین شد که برابر روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم افراد انتخاب شدند؛ به نحوی که متناسب با تعداد زنان شاغل در هر صنف تناسب گرفته و حجم نمونه تعیین شد (که بیش‌ترین در صنف فروشندگی و کم‌ترین در دفاتر خدماتی و هواپیمایی بودند) و به داوطلبان پرسش‌نامه جهت تکمیل ارائه شد. ابزار تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته بود که برای سنجش بعد فرهنگی از ۹ گویه، بعد اجتماعی ۱۱ گویه، بعد اقتصادی ۸ گویه و بعد انتظامی ۱۱ گویه استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه توسط تعدادی از اساتید و هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین و نیز کارشناسان ناجا بررسی و تأیید شد. ضریب پایایی پرسش‌نامه طی یک مطالعه مقدماتی با روش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۲۳ محاسبه شد.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

یافته‌ها

براساس تجزیه اطلاعات جمع‌آوری شده از پاسخگویان، بیش از ۶۳/۷ درصد از زنان ۲۱ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. حدود ۶۱ درصد از پاسخگویان متأهل و بیش از ۳۷ درصد آن‌ها نیز مجرد بودند و حدود ۲ درصد نیز



مطلقه بوده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۴۵/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند و میانگین تحصیلات پاسخگویان لیسانس و کمتر بوده است. اکثر پاسخگویان (۵۶/۱ درصد) در صنوف پوشاک و فروشندگی بوده‌اند. مدت‌زمان حضور اکثر پاسخگویان در صنوف مربوطه (۴۲/۸ درصد) بین ۲ تا ۵ سال سابقه کار داشته‌اند. وضعیت اشتغال شوهران زنان متأهل شاغل در صنوف اکثراً (بیش از ۹۱ درصد) شاغل بوده‌اند. شغل اکثر شوهران شاغل زنان متأهل شاغل در صنوف و اماکن عمومی (۵۶ درصد)، مشاغل آزاد بوده‌اند. همچنین، اکثر پاسخگویان (۴۸/۱ درصد) میزان رضایت از شغل فعلی خود را متوسط عنوان داشته‌اند. سؤال اول: پاسخگویان ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی را چگونه ارزیابی می‌کنند؟ برای بررسی این سؤال، ۹ گویه در پرسش‌نامه مطرح شد که برای تعیین رتبه نقش هر یک از گویه‌های ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی، از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جداول ۱، ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۱. رتبه‌بندی فریدمن ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

ردیف	مقوله	میزان تأثیر
۱	اشتغال زنان در بیرون بر تربیت فرزند و مدیریت زنان در خانواده تأثیر دارد	۶/۴۷
۲	اشتغال زنان در برخی صنوف در شأن خانوادگی آن‌ها نیست.	۵/۴۴
۳	زنان شاغل باید در محل کار حجاب اسلامی را به‌صورت کامل رعایت کنند.	۵/۳۶
۴	اشتغال خانم‌ها در بیرون از منزل، باید اولویت دوم آن‌ها بعد از خانواده باشد.	۵/۳۳
۵	باورهای غلط اجتماعی در اشتغال زنان در صنوف مختلف مؤثر است.	۵/۱۲
۶	زنان جامعه با کارکردن زنان و دختران بیرون از منزل موافق هستند.	۵/۰۶
۷	نرخ بی‌سوادی زنان در اشتغال آن‌ها در صنوف مختلف تأثیرگذار است.	۴/۵۶
۸	نگرش عمومی جامعه با اشتغال زنان در صنوف موافق است.	۴/۲۸
۹	جامعه و خانواده با اشتغال زنان در محیط‌های خصوصی موافق است.	۳/۳۸

جدول ۲. نتیجه آزمون فریدمن ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوئر	تعداد نمونه
۰/۰۰۰	۸	۳۵۸/۶۹۷	۳۶۰

جدول ۳. نتیجه آزمون T تک نمونه‌ای ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

حداکثر	حداقل	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون T	تعداد نمونه
۳/۸۳	۳/۷۳	۳/۷۸	۰/۰۰۰	۳۵۹	۱۵۵/۱۴۴	۳۶۰

رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که از بین گویه‌های تعیین‌شده، از نظر پاسخگویان تأکید بسیار اسلام بر تربیت فرزند و مدیریت زنان در خانواده با میزان تأثیرگذاری ۶/۴۷ بهترین رتبه را دارد. بعد از آن، رعایت حجاب

اسلامی در محل کار توسط زنان شاغل، در اولویت دوم بودن اشتغال زنان، تأثیرگذاری باورهای غلط اجتماعی در اشتغال زنان، موافقت زنان جامعه با کارکردن زنان و دختران بیرون از منزل، تأثیرگذاری نرخ بی‌سوادی زنان در اشتغال آن‌ها قرار داشته و موافقت بافت عمومی جامعه با اشتغال زنان، موافقت جامعه و خانواده با اشتغال زنان در محیط‌های خصوصی و در شأن نبودن اشتغال در برخی صنوف مواردی بود که ابعاد فرهنگی در آن‌ها خیلی خوب ارزیابی نشده است.

آزمون فریدمن با کای اسکوتر $358/697$ درصد و سطح معناداری بالا و آزمون T تک نمونه‌ای با $155/144$ و سطح معناداری 95 درصد، تأیید کننده ابعاد فرهنگی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی است. سؤال دوم: میزان موافقت پاسخگویان با ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی چگونه است؟

برای بررسی این سؤال، ۱۱ گویه در پرسش‌نامه مطرح شد که نتایج حاصل از آن‌ها را می‌توان این گونه اعلام کرد: $59/72$ درصد پاسخگویان، با موضوعات مطرح شده در ابعاد اجتماعی موافق بوده‌اند. $5/83$ درصد بی‌نظر و $34/45$ درصد نیز مخالف بوده‌اند. برای تعیین رتبه نقش هریک از گویه‌های ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جداول ۴، ۵ و ۶ آمده است.

جدول ۴. رتبه‌بندی فریدمن ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

ردیف	مقوله	میزان تأثیر
۱	زنان شاغل در صنوف مختلف امکان نگهداری فرزند خردسال خود را ندارند.	۷/۵۸
۲	بارداری و شیردهی زنان در اشتغال آن‌ها در صنوف مختلف تأثیر منفی دارد.	۶/۸۱
۳	دوری محل کار از منزل باعث کاهش استقبال اشتغال زنان در صنوف مختلف می‌شود.	۶/۷۵
۴	نقش همسری و مادری موجب کاهش اشتغال زنان در صنوف مختلف می‌شود.	۶/۶۰
۵	مشاغل زنانه و مردانه باید از هم تفکیک و در اختیار آن‌ها قرار گیرد.	۶/۵۹
۶	داشتن بچه و تعداد آن‌ها در اعطای شغل توسط کارفرما به زنان اثر منفی دارد.	۵/۸۶
۷	مردان نسبت به اشتغال همسران خود در صنوف مختلف دید منفی دارند.	۵/۷۵
۸	به‌طور سنتی، کار در منزل وظیفه زنان و کار در بیرون از منزل وظیفه مردان است.	۵/۳۹
۹	فعالیت زنان در صنوف به حفظ فردگرایی و مجرد ماندن زنان می‌انجامد.	۵/۰۰
۱۰	انجام وظیفه خانهداری موجب بی‌میلی زنان به اشتغال در صنوف مختلف می‌شود.	۴/۹۰
۱۱	اشتغال زنان در صنوف مختلف اثر منفی بر زندگی خانوادگی آن‌ها دارد.	۴/۷۸

جدول ۵. نتیجه آزمون فریدمن ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوتر	تعداد نمونه
۰/۰۰۰	۱۰	۳۳۸/۳۹۳	۳۶۰



جدول ۶. نتیجه آزمون T تک نمونه‌ای ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

حداکثر	حداقل	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون T	تعداد نمونه
۳/۲۶	۳/۱۳	۳/۱۹	۰/۰۰۰	۳۵۹	۹۶/۱۸۳	۳۶۰

رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که از بین گویه‌های ذکر شده، از نظر پاسخگویان عدم امکان نگهداری فرزند خردسال توسط زنان شاغل در صنوف بهترین رتبه را دارد. بعد از آن، تأثیر منفی بارداری و دوران شیردهی زنان در اشتغال آن‌ها در صنوف مختلف، کاهش استقبال اشتغال زنان در صنوف به خاطر دوری محل کار از منزل، کاهش اشتغال زنان در صنوف به خاطر نقش همسری و مادری، تفکیک مشاغل زنانه و مردانه از هم و در اختیار آن‌ها قرار گرفتن، اثر منفی داشتن بچه و تعداد آن‌ها در اعطای شغل توسط کارفرما به زنان، داشتن دید منفی مردان نسبت به اشتغال همسران قرار داشته و به‌طور سنتی، کار در منزل را وظیفه زنان و کار در بیرون از منزل را وظیفه مردان دانستن، حفظ فردگرایی و مجرد ماندن زنان به‌واسطه اشتغال در صنوف، بی‌میلی زنان به اشتغال به خاطر انجام وظیفه خانه‌داری و اثر منفی اشتغال زنان در زندگی خانوادگی آن‌ها نیز مواردی بود که ابعاد اجتماعی در آن‌ها خیلی خوب ارزیابی نشده است. آزمون فریدمن با کای اسکور ۳۳۸/۳۹۳ درصد و سطح معناداری بالا و آزمون T تک نمونه‌ای با ۹۶/۱۸۳ و سطح معناداری ۹۵ درصد، تأیید کننده ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی است.

سؤال سوم: میزان موافقت پاسخگویان با ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی چگونه است؟

برای بررسی این سؤال، ۸ گویه در پرسش‌نامه مطرح شد که نتایج حاصل از آن‌ها را می‌توان این گونه اعلام کرد: ۶۷/۷۸ درصد پاسخگویان، با موضوعات مطرح شده در ابعاد اقتصادی موافق بوده‌اند. ۴/۱۷ درصد بی‌نظر و ۲۸/۰۵ درصد نیز مخالف بوده‌اند.

برای تعیین رتبه نقش هر یک از گویه‌های ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جداول ۷، ۸ و ۹ آمده است.

جدول ۷. رتبه‌بندی فریدمن ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

ردیف	مقوله	میزان تأثیر
۱	میزان پرداختی حقوق به زنان در مقایسه با مردان در همان شغل کمتر است.	۶/۳۰
۲	اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی در اقتصاد کشور اثر مثبت می‌گذارد.	۵/۸۷
۳	فعالیت زنان در صنوف فضای مناسبی برای حضور آن‌ها در عرصه اقتصادی ایجاد می‌کند.	۵/۷۷
۴	آینده مشاغل زنانه ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی است.	۵/۰۸

۵	دلیل حضور زنان در حوزه صنوف و اماکن عمومی حقوق پایین آن‌ها است.	۵/۰۳
۶	زنان شاغل در صنوف مختلف از امنیت شغلی پایینی برخوردارند.	۴/۷۳
۷	زنان به خاطر فقر و تنگدستی به اشتغال در صنوف مختلف روی می‌آورند.	۴/۶۲
۸	مشاغل زنانه از مشاغل مردانه از اهمیت کمتری برخوردار هستند.	۴/۴۵
۹	حضور زنان در صنوف مختلف موجب بیکاری مردان می‌شود.	۳/۱۵

جدول ۸. نتیجه آزمون فریدمن ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوئر	تعداد نمونه
۰/۰۰۰	۸	۴۰۷/۳۶۷	۳۶۰

جدول ۹. نتیجه آزمون T تک نمونه‌ای ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

حداکثر	حداقل	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون T	تعداد نمونه
۳/۴۱	۳/۳۰	۳/۳۵	۰/۰۰۰	۳۵۹	۱۱۱/۷۱۳	۳۶۰

رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که از بین گویه‌های ذکر شده، از نظر پاسخگویان کمتر بودن میزان پرداختی حقوق به زنان در مقایسه با مردان در همان شغل بهترین رتبه را دارد. بعد از آن، اثر مثبت اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی در اقتصاد کشور، ایجاد فضای مناسبی برای حضور در عرصه اقتصادی با فعالیت زنان در صنوف، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده مشاغل زنانه، حقوق پایین دلیل حضور زنان در حوزه صنوف و اماکن عمومی، امنیت شغلی پایین زنان شاغل در صنوف مختلف، روی آوردن زنان به خاطر فقر و تنگدستی به اشتغال در صنوف مختلف قرار داشته و برخورداری از اهمیت کمتر مشاغل زنانه نسبت به مشاغل مردانه و بیکاری مردان به دلیل حضور زنان در صنوف مختلف نیز مواردی بود که ابعاد اقتصادی در آن‌ها خیلی خوب ارزیابی نشده است. آزمون فریدمن با کای اسکوئر ۴۰۷/۳۶۷ و سطح معناداری بالا و آزمون T تک نمونه‌ای با ۱۱۱/۷۱۳ و سطح معناداری ۹۵ درصد، تأیید کننده ابعاد اقتصادی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی است. سؤال چهارم: میزان موافقت پاسخگویان با ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی چگونه است؟

برای بررسی این سؤال، ۱۱ گویه در پرسش‌نامه مطرح شد که نتایج حاصل از آن‌ها را می‌توان این گونه اعلام کرد: ۶۷/۷۲ درصد پاسخگویان، با موضوعات مطرح شده در ابعاد انتظامی موافق بوده‌اند. ۱۶/۹ درصد بی‌نظر و ۱۵/۴۳ درصد نیز مخالف بوده‌اند. برای تعیین رتبه نقش هر یک از گویه‌های ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی، از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جداول ۱۰، ۱۱ و ۱۲ آمده است.



جدول ۱۰. رتبه‌بندی فریدمن ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

ردیف	مقوله	میزان تأثیر
۱	روشنایی معابر عمومی در ساعات شب به زنان شاغل احساس امنیت می‌دهد.	۷/۲۷
۲	فعالیت در برخی از صنوف، الزاماً باید توسط زنان انجام شود.	۶/۶۹
۳	برای کاهش آسیب‌ها، تعیین ساعت فعالیت زنان در صنوف ضروری است.	۶/۶۸
۴	زنان از فعالیت شبانه در محیط کار ترس و واهمه دارند.	۶/۶۵
۵	زنان در محیط شلوغ و دارای ارباب‌رجوع بیشتر احساس امنیت می‌کنند.	۶/۶۳
۶	زنان در محیط کار از متلک‌گویی مردان احساس ناامنی می‌کنند.	۶/۵۸
۷	خارج از دید بودن محل کار زنان باعث ایجاد احساس ناامنی در آن‌ها می‌شود.	۵/۹۵
۸	برای رسیدگی به مشکلات زنان شاغل در اصناف باید از پلیس زن استفاده شود.	۵/۴۷
۹	صنوف مختص بانوان باید صرفاً توسط زنان مدیریت و اداره شوند.	۵/۴۰
۱۰	زنان شاغل در صنوف مختلف بیش‌تر از مردان احساس ناامنی می‌کنند.	۵/۱۲
۱۱	پلیس نباید به زنان مجوز فعالیت در اصناف کاملاً مردانه را بدهد.	۳/۵۷

جدول ۱۱. نتیجه آزمون فریدمن ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوئر	تعداد نمونه
۰/۰۰۰	۱۰	۴۸۳/۹۲۶	۳۶۰

جدول ۱۲. نتیجه آزمون T تک نمونه‌ای ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

حداکثر	حداقل	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون T	تعداد نمونه
۳/۸۱	۳/۷۰	۳/۷۶	۰/۰۰۰	۳۵۹	۱۳۱/۷۰۸	۳۶۰

رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که از بین گویه‌های در نظر گرفته شده، از نظر پاسخگویان احساس امنیت زنان شاغل از روشنایی معابر عمومی در ساعات شب بهترین رتبه را دارد. بعد از آن، الزامی بودن فعالیت در برخی از صنوف توسط زنان، ضروری بودن تعیین ساعت فعالیت زنان برای کاهش آسیب‌ها و رسیدگی به خانواده، ترس و واهمه زنان از فعالیت شبانه در محیط کار، احساس امنیت بیشتر زنان در محیط شلوغ و دارای ارباب‌رجوع، احساس ناامنی زنان در محیط کار از متلک‌گویی مردان، احساس ناامنی زنان شاغل به خاطر خارج از دید بودن محل کار، استفاده از پلیس زن برای رسیدگی به مشکلات زنان شاغل در اصناف، مدیریت و اداره صنوف مختص بانوان صرفاً توسط زنان قرار داشته و احساس ناامنی بیشتر زنان شاغل در صنوف مختلف نسبت به مردان و عدم اعطای مجوز فعالیت در اصناف کاملاً مردانه توسط پلیس نیز مواردی بود که ابعاد انتظامی در آن‌ها خیلی خوب ارزیابی نشده است. آزمون فریدمن با کای اسکوئر ۴۸۳/۹۲۶ و سطح معناداری بالا و آزمون T تک نمونه‌ای با ۱۳۱/۷۰۸ و سطح معناداری ۹۵ درصد، تأیید کننده ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و

اماکن عمومی است.



سؤال اصلی: وضعیت اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی چگونه ارزیابی می‌شود؟

پس از بررسی تمام گویه‌های مطرح شده و سؤالات بیان شده، باید پاسخ سؤال اصلی تحقیق داده شود که برگرفته از کل نتایج پرسش‌نامه است. از نظر بیشتر پاسخگویان یعنی ۹۵/۸۳ درصد، ابعاد فرهنگی اشتغال مورد موافقت قرار گرفته است. ۸۹/۷۲ درصد از پاسخگویان، با ابعاد انتظامی اشتغال، ۶۷/۷۸ درصد با ابعاد اقتصادی و ۵۹/۷۲ درصد با ابعاد فرهنگی موافقت داشته‌اند. در این بخش، با کمک آزمون فریدمن، رتبه هریک از گویه‌های ابعاد مختلف اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی سنجیده شده است که نتایج در جدول ۱۳ و ۱۴ آمده است.

جدول ۱۳. رتبه‌بندی فریدمن ابعاد مختلف اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

ردیف	ابعاد اشتغال	میزان تأثیر
۱	ابعاد انتظامی	۳/۰۶
۲	ابعاد فرهنگی	۳/۰۱
۳	ابعاد اقتصادی	۲/۱۰
۴	ابعاد اجتماعی	۱/۸۳

جدول ۱۴. نتیجه آزمون فریدمن ابعاد مختلف اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکوئر	تعداد نمونه
۰/۰۰۰	۳	۲۵۷/۳۶۶	۳۷۶

رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که ابعاد انتظامی اشتغال زنان در رتبه اول قرار داشته و بعد از آن، ابعاد فرهنگی و سپس ابعاد اقتصادی قرار دارد. رتبه آخر نیز به ابعاد اجتماعی تعلق می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون فریدمن با کای اسکوئر ۲۵۷/۳۶۶ و سطح معناداری بسیار بالا، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، بررسی ابعاد مختلف اشتغال زنان ایلامی در اصناف بود که از چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و انتظامی مطالعه شد. نتایج تحقیق نشان داد که در بعد فرهنگی، عدم هماهنگی بین تأکید اسلام بر تربیت فرزند و مدیریت زنان در خانواده و اشتغال آن‌ها در بیرون از منزل بیش‌ترین دغدغه زنان شاغل در اصناف بود که این نتیجه، علاوه بر این که با نظر اسلام در این مورد همخوانی دارد، با نظریه تفکیک وظایف جنسی پارسونز هم‌راستا است. پارسونز وظایف اساسی خانواده را در مرحله توسعه صنعتی آمریکای شمالی و اروپا، در مقیاس وسیع و خرد تقسیم کرده است. در مقیاس وسیع، وظیفه خانواده را تولید مثل و تعیین هویت اجتماعی فرزندان می‌داند و در سطح خرد، اجتماعی کردن ابتدایی کودکان و استحکام و حفظ شخصیت بزرگسالان از



وظایف خانواده است. برای این که خانواده بتواند از عهده وظایف خود برآید و نظام خانوادگی حفظ شود، باید نقش‌های زن و مرد از هم تفکیک شود. به نظر پارسونز، همان‌طور که نظام جامعه در مجموع براساس تفکیک و تخصص استوار است، خانواده که یکی از نهادهای نظام کلی است، تفکیک وظایف زن و مرد و پیر و جوان را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب است که مرد باید دارای شغل و درآمد و نان‌آور خانه باشد و اساسی‌ترین نقش زن، خانه‌داری و بچه‌داری است. این تفکیک وظایف جنسی، به نظر پارسونز، مبنای اجتماعی کردن کودک است. همچنین، این یافته‌ها با تحقیق اسماعیلی (۱۳۹۰) مبنی بر «بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه راهکارها» هماهنگی دارد؛ زیرا ایشان هم به این نتیجه رسیده که بین عقاید سنتی موجود در جامعه و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد. فرهنگ مردسالار ایلامی‌ها را هم در این امر دخیل می‌دانند. میانگین رتبه‌های ابعاد اجتماعی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی نشان داد که عدم امکان نگهداری فرزند خردسال توسط زنان شاغل در صنوف، بیش‌ترین دغدغه آن‌ها و از طرفی اثر منفی اشتغال زنان در زندگی خانوادگی آن‌ها، کم‌ترین نگرانی برای زنان شاغل در صنوف و اماکن عمومی ایجاد کرده است. نتایج پژوهش، هماهنگ و همسو با پژوهش فروتن (۱۳۹۰)، شاعی مقدم (۱۳۸۴) و یوسفی (۱۳۸۰) است. فروتن در پژوهش خود نشان داد که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه و مدل «مرد، نان‌آور خانوار» (مک‌دونالد ۲۰۰۰)، به وضوح در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. تنوع شغلی بسیار محدود و هم‌جنس بودن افرادی که زنان شاغل با آن‌ها سر و کار دارند نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی محسوب می‌شود. شاعی مقدم در پژوهش خود نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل تعداد فرزندان و موقعیت شغلی با انتظار از محیط کار و خانواده وجود دارد. یوسفی هم در پژوهش خود نشان داد که سختی کار زنان در خارج از منزل، نوع شغل، درآمد زن و همسر، تعداد فرزندان، تحصیلات زن و همسر، سن زن، ساعات کار در شیفت‌های مختلف، رابطه معناداری با بروز اختلافات خانوادگی دارد. بررسی دغدغه اصلی زنان شاغل در اصناف در دو بعد فرهنگی و اجتماعی نشانگر اهمیت نقش مادری برای زنان ایرانی است که هم متأثر از نگرش‌های دینی ما و تأکید اسلام بر وظیفه خطیر فرزندآوری و تربیت نسل است و هم ناشی از فرهنگ ایرانی و عرف اجتماعی است که مهم‌ترین وظیفه زنان را تربیت فرزند می‌دانند، لذا زنان ایلامی هم متأثر از این شرایط اجتماعی و اعتقادی، تضاد بین نقش مادری و اشتغال بیرون از منزل را به‌خوبی درک کرده و از مهم‌ترین دغدغه‌های آن‌ها شده است. البته زنان شاغل در ادارات دولتی عموماً دارای امکانات نگهداری فرزند هستند و کمتر با این مشکل مواجه می‌شوند، ولی خانم‌های شاغل در اصناف باید خود فکری به حال نگهداری فرزند بکنند که به دلیل دریافتی‌های کم مالی هم نمی‌توانند از مهدکودک و امثال آن استفاده کنند. نتیجه بررسی نقش ابعاد اقتصادی در اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی نشان داد که کمتر بودن میزان پرداختی حقوق به زنان در مقایسه با مردان در همان شغل، بیش‌ترین مشکل زنان شاغل در این اصناف است

و با وجود تلاش بیشتر برای حفظ شغل و دقت و ظرافت بیشتر زنان در انجام کارها، اکثر کارفرمایان عدالت را در پرداخت دستمزد به آن‌ها رعایت نمی‌کنند. نتایج پژوهش هماهنگ و همسو با پژوهش توسلی و رفیعی خونانی (۱۳۸۷)، است. توسلی و رفیعی خونانی در پژوهش خود نشان دادند میزان تأثیر عامل اقتصادی بیشتر از حد متوسط، عامل خانواده بیشتر از حد متوسط و عامل روان‌شناختی و رضایت‌مندی کمتر از حد متوسط است. همچنین با پژوهش جانگ، چویی و اوآکساکا (۲۰۱۸) هماهنگ و همسو است. جانگ، چویی و اوآکساکا (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب کار بر اختلاف دستمزد جنسیتی اثر دارد و علاوه بر آن زنان تمایل بیشتری برای انتخاب کار امن و دستمزد پایین داشتند.

مطالعه ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی نشان داد که بیش‌ترین دغدغه زنان شاغل، کمبود روشنایی معابر عمومی در ساعات شب و در جای دنج و محل خلوت بودن مشاغل زنانه و آزارهای کلامی مردان است که موجب احساس ناامنی روحی و روانی آن‌ها می‌شود و معتقدند که پلیس زن برای رسیدگی به امور آن‌ها و تأمین امنیت زنان شاغل از ضروریات این نظام است. این نتایج هماهنگ و همسو با پژوهش شایگان، کلدی و عسکری طباطبایی (۱۳۹۲) است. این محققان در پژوهش خود نشان دادند که به دلیل ویژگی‌های روحی و روانی زنان و نیاز جامعه اسلامی، حضور پلیس زن در جامعه ضروری است و گرایش زنان هم به شغل پلیسی در حال افزایش است. نتایج کلی تحقیق حاکی از آن است که ابعاد انتظامی اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی از نظر پاسخگویان مهم‌تر از سایر ابعاد بوده و بعد از آن، بعد فرهنگی اهمیت بیشتری در اشتغال آن‌ها در اصناف و اماکن عمومی دارد. ابعاد اقتصادی و اجتماعی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

پیشنهادها

بر مبنای نتایج به‌دست آمده از سؤالات تحقیق، پیشنهادهای اجرایی زیر در حوزه‌های مختلف، با هدف بهبود وضعیت اشتغال زنان در صنوف و اماکن عمومی ارائه می‌شود:

- ایجاد مهدکودک و فضاهای مناسب جهت نگهداری فرزندان زنان شاغل در صنوف و اماکن عمومی؛
- تفکیک مشاغل زنانه و مردانه از هم به‌منظور عدم تداخل و همچنین افزایش احساس امنیت زنان؛
- افزایش نظارت نهادهای نظارتی به‌خصوص سازمان تعزیرات حکومتی بر پرداخت کامل حق و حقوق و بیمه کارگران و برخورد با افراد و شرکت‌های متخلف؛
- حمایت از حقوق برابر زنان و مردان شاغل در صنوف مشابه جهت جلوگیری از تضییع حقوق آن‌ها؛
- حمایت دستگاه قضایی از آینده شغلی و امنیت شغلی زنان در صنوف و اماکن عمومی؛
- تصویب قوانین در خصوص جلوگیری از اشتغال زنان در صنوف نامتناسب با شأن آن‌ها؛
- تعامل نزدیک و فعال اداره نظارت بر اماکن عمومی ناجا و اتاق اصناف و اتحادیه‌های صنفی؛
- جلوگیری از اشتغال مردان در صنوف زنانه مانند لوازم‌آرایی بهداشتی و لباس زنانه؛



- استفاده از پلیس زن برای رسیدگی به مشکلات زنان شاغل در صنوف و اماکن عمومی؛
- نظارت بر ساخت و سازهای انجام شده در حوزه اصناف و بازار و جلوگیری از ایجاد فضاهای رعب‌آور برای زنان شاغل در صنوف؛
- ایجاد ایستگاه‌های ثابت و سیار در محدوده بازار و صنوف مختلف جهت ارتقای امنیت اجتماعی؛
- رعایت آیین‌نامه‌ها در خصوص عدم حضور صنوف تنش‌زای مردانه در مجاورت صنوف زنانه؛
- تجمع صنوف زنانه در بازارهای جداگانه و پاساژهای مخصوص صنوف زنانه؛
- تجهیز صنوف به دوربین‌های مداربسته جهت افزایش امنیت اجتماعی زنان.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از مسئولان دانشگاه علوم انتظامی امین و فرماندهی انتظامی استان ایلام به دلیل حمایت و همکاری، قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

منابع فارسی

- اسماعیلی، سرور (۱۳۹۰). بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان در شهر ایلام و ارائه راهکارها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی (ره). بازیابی از: <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/556774>
- باقری، شهلا (۱۳۸۲). اشتغال زنان در ایران؛ درآمدی بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته. تهران: انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان. بازیابی از: <http://library.sharif.ir/parvan/resource/263247>
- بنی فاطمه، حسین و مهبد، نازیلا (بهار ۱۳۸۹). جایگاه اشتغال زنان از منظر دانشجویان. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. ۴(۸)، صص ۲۵-۴۸. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/fa/content/363254/default.aspx>
- ترکمن، سولمازو فتحی، سروش (زمستان ۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). مجله زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان). ۷(۴)، صص ۱۳-۲۵. بازیابی از: <http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=285081>
- توسلی، افسانه و رفیعی خونانی، فاطمه (تابستان ۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. ۲(۲)، صص ۵-۳۳. بازیابی از: <http://www.ensani.ir/storage/Files/20120329160020-5078-17.pdf>
- راسخ، کرامت اله و سعیدی، ندا (پاییز ۱۳۹۱). بررسی حضور و قدرت زنان در محیط اجتماعی مردان. فصلنامه زن و فرهنگ. ۱۴(۱۳)، صص ۱۹-۳۰. بازیابی از: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/6001513911302.pdf
- رستمی، مصطفی (تابستان ۱۳۸۳). بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. ۴(۱۳)، صص ۳۹-۶۶. بازیابی از: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/74313831302.pdf
- رضا زاده، محمد (۱۳۹۵). قواعد حاکم بر مساله اشتغال زنان در نظام حقوقی ایران با توجه به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت. بازیابی از: <https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/934372>
- رفعت‌جابه، مریم و خیرخواه، فاطمه (۱۳۹۱). مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی.

- فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی. (۲)، صص ۱۳۰-۱۵۶. بازیابی از:
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=218072>
- سید میرزایی، سید محمد؛ عبداللهی، زهرا و کمریگی، خلیل (زمستان ۱۳۹۰). بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. ۲(۲۸)، صص ۷۹-۱۰۸. بازیابی از:
http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/4004713902804.pdf
- شاعی مقدم، یوکابه (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات زنان شاغل متأهل از محیط کار و خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهرا (س). بازیابی از:
<https://elmnet.ir/mlt/898873>
- شایگان، فریبا؛ کلدی، علیرضا و عسکری طباطبایی، سیده زهرا (پاییز ۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مشاغل مردانه، مطالعه موردی؛ دختران دانشجوی دانشکده پلیس زن دانشگاه علوم انتظامی امین و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (ره). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۵(۴)، صص ۳۳-۵۵. بازیابی از:
http://journals.srbiau.ac.ir/article_2441_46bb18fdceac51589c23fd27493a4f09.pdf
- فروتن، یعقوب (تابستان ۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. زن در توسعه و سیاست؛ پژوهش زنان. ۹(۲)، صص ۸۰-۳۹. بازیابی از:
http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/61713903302.pdf
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مرکز مطالعات زنان.
- گوگردچیان، احمد؛ طیبی، سیدکامیل و قضاوی، عفت (پاییز ۱۳۹۳). اثر اشتغال زنان بر شکاف درآمدی جنسیتی در ایران (۱۳۹۰-۱۳۷۰). فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی. ۵(۱۷)، صص ۱۴۵-۱۶۹. بازیابی از:
<http://www.ensani.ir/storage/Files/20150429141813-9754-128.pdf>
- لطیفی، سمیه؛ سعدی، حشمت اله و شعبانعلی فمی، حسین (زمستان ۱۳۹۳). ارزیابی نقش تعاونی های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف. جغرافیا و توسعه. ۱۲(۳۷)، صص ۱۱۹-۱۳۲. بازیابی از:
<http://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=231710>
- ملک زاده، فهیمه (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش ها. مجله فقه و حقوق خانواده. ۱۹(۴۹)، صص ۶۷-۸۵. بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/418496>
- موحدی، بهناز (۱۳۸۰). زنان توسعه و تعدد نقش ها. تهران: انتشارات برگ زیتون. بازیابی از:
<https://www.gisoom.com/book/1210290>
- محمدپور، مهری؛ شاکری نیا، ایرج و رمضانی، فریدون (بهار و تابستان ۱۳۹۴). رابطه احساس امنیت، دینداری و بهداشت روانی با رضایت شغلی زنان. مجله پژوهش های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده. ۴(۳)، صص ۲۳-۳۸. بازیابی از:
http://journals.police.ir/content.php?pagename=show-article&request_id=29656&journal_id=72
- مهر افشان، علیرضا (۱۳۹۶). تاثیر اشتغال زنان بر جرایم و انحرافات آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه پیام نور استان البرز. بازیابی از:
<https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/962872>
- مهدویان، طاهره (۱۳۹۵). چالش های اخلاقی اشتغال زنان در خانواده و راهکارهای آن از دیدگاه اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی قم. بازیابی از:
<https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/952376>
- نگاهی به وضعیت زنان در استان ایلام (۱۳۹۳). نشر معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. بازیابی از:
<http://www.women.gov.ir/portal/File/ShowFile.aspx>
- نوروزی، لادن (بهار ۱۳۸۳). تفاوت های جنسیتی در ساختار شغلی. زن در توسعه و سیاست. ۲(۱)، صص ۱۶۵-۱۷۸. بازیابی از:
<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=5823>
- نصیرزاده بیرامی، اشرف (۱۳۷۹). سنجش میزان امیدواری دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی به اشتغال در آینده و عوامل مؤثر بر این میزان. پایان نامه کارشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه تبریز. بازیابی از:
<http://www.icbc.ir/kharid/0232709318/1/.html>



- یوسفی معصومه (۱۳۸۰). بررسی تأثیر عوامل مرتبط با اشتغال زنان بر بروز اختلافات خانوادگی؛ مطالعه واحدهای تولیدی شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات. دانشگاه شیراز. بازیابی از:

<https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/68971>

منابع انگلیسی

- Booth, d, r.johnson, l, white, j. Edwards (1984). women outside employment & marital instability. American journal of sociology. 90(3),pp, 567-583. Retrieved from: https://www.jstor.org/stable/2779296?seq=1#page_scan_tab_contents
- Han, K.M. Shin, Ch. Yoon, H.K. Ko, Y.H. Kim, Y.K. Han, Ch(2018). Emotional labor and depressive mood in service and sales workers: Interactions with gender and job autonomy. Psychiatry Research. 267(3):pp490-498. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0165178117323387#!>
- Jung, S . Choe, Ch. Oaxaca L(2018). Gender wage gaps and risky vs. secure employment: An experimental analysis. Labour Economics. 52(3), pp,112-221. Retrievedfrom:<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0927537118300356>
- Kızılırmak, Burça (2014). Changes in Global Trade Patterns and Women's Employment in Manufacturing: An Analysis over the Period of Asianization and Deindustrialization. (790). Retrieved from: <https://ideas.repec.org/p/met/wpaper/1401.html>
- Macleon, micheal j. (1982). maternal employment: the clild,s perspective. journal of marriage & the family. 444.pp, 469-475. Retrieved from: <https://www.researchconnections.org/childcare/resources/6666>
- Pearlman, J.(2018). Gender differences in the impact of job mobility on earnings: The role of occupational segregation.Social Science Research.74(4),pp,30-44. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0049089X17304660>
- Yonay, Y. P. Kraus, V(2017). The role of the state and the pliability of tradition: Israeli Palestinian and Middle-Eastern Jewish women in the labor force. Research in Social Stratification and Mobility.50(4),PP29-39. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0276562416301214>.